

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

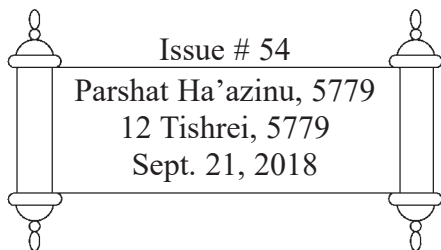
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, Sept. 21, Light Shabbat Candles, by 6:33 p.m.
Saturday, Sept. 22, Shabbat ends at 7:35 p.m.
Sunday, Sept. 23, Light Yom Tov Candles, by 6:30 p.m.
Monday, Sept. 24, Light Yom Tov candles, after nightfall, after 7:32 p.m.
Tuesday, Sept. 25, Yom Tov ends at 7:31 p.m.
(Times are for Los Angeles)

IN LOVING MEMORY OF OUR DEAR PARENTS
Mr. Naim ben Moshe ע"ה Lavi
Passed away on 17 Kislev, 5767
Mrs. Chava (Evelyn) bat David ע"ה Lavi
Passed away on 16 Tishrei - second day of Sukkot, 5775
ת. נ. צ. ב. ה.
*
DEDICATED BY THEIR CHILDREN שיחיו

Mitzvahland
Sukkah Factory Outlet
Buy direct from the manufacturer

One Stop Judaica Shop

Present this coupon and get
FREE LULAV & ETROG
with Mitzvahland Sukkah purchase
code LA

PRESENT THIS COUPON AND GET
20% OFF
Excluding Sukkah, Bamboo mat, Lulav, Klaf, Tefilin, Silver, Exp 9/23/2018 Any Single Item

Easy Compact Sukkah

Gift from ISRAEL

Bamboo Mats Mehadrin

Mitzvahland.com
818-705-7700

We Will Beat Any Price! 16733 Ventura Blvd, Encino CA 91436

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:
CPY & Moshiach Awareness Center,
Chabad Persian Youth a Project of:
9022 W Pico Boulevard. Enlightenment For The Blind, Inc.
Los Angeles, CA 90035 602 North Orange Drive.
Tel.: (310) 777-0358 Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
Fax: (310) 777-0357 http://www.torah4blind.org
http://www.cpycenter.org e-mail: yys@torah4blind.org
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director
Rabbi Hertzel Peer, Executive Director Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

هَازِينُو

پاراشای هَازینو باین کلمات مُشه رینو شروع میشود. "ای آسمانها گوش کنید ... و ای زمین بشنو..." میدراش با توجه به استفاده از کلمات بالا می گوید که اینطور بنظر می آید که مُشه با حالت بسیار خودمانی و نزدیک با آسمان صحبت می کند. در حالیکه از نوع کلمه ای که برای زمین بکار برده است بنظر می آید که او از زمین بسیار دور است. در یشعیا تقریبا عکس این کلمات بکار رفته است. "ای آسمانها بشنوید و ای زمین گوش کن". در اینجا نوع کلماتی که استفاده شده نشان دهنده نزدیکی یشعیا به زمین و دور بودنش از آسمان می باشد. یک فرد یهودی کدامین طریق را باید انتخاب کند. آیا او می بایست بدنبال روحانیت بوده و از مسائل زمینی دوری کند؟ و یا او می بایست همچون یشعیا خانه روحانی خود را در مسائل زمینی بیابد؟ این پاراشا دارای چگونه اهمیتی است که در ده روز تشووا و روزهای بعد از کیپور خوانده میشود؟ روزهایی که بالاترین لحظات در خود آزمایی روحانی زندگی ما هستند.

To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095

۱- نزدیکی و دوری

در میدراش^۱ آمده است که مُشه رینو به آسمان نزدیک و از زمین دور بود به همین علت است که او می گوید "ای آسمانها گوش کنید تا سخن بگویم و ای زمین کلام دهان مرا بشنو" کلمه گوش کردن حالت نزدیکی و کلمه شنیدن حالت دور بودن را میرساند. به طریق مشابه در میدراش آمده است که یشعیا از آسمان دور و به زمین نزدیک بود برای آنکه از کلماتی برعکس کلمات بالا استفاده می کند "ای آسمانها بشنوید و ای زمین گوش کن"^۲ و این اختلاف در استفاده از کلمات تعجب آور است. تورا به معنای "آموزش" است و تمامی کلمات آن برای هر فرد یهودی آموزنده می باشد.^۳ زمانی که مُشه رینو می گوید "ای آسمانها گوش کنید... و ای زمین بشنو". به طور ضمنی به ما این موضوع (پیام) را آموزش می دهد که هر فرد یهودی می بایست کوشش کند که خودش را به آسمان نزدیک کرده و از محدودیت های زمینی دور کند. چنانچه یشعیا که یکی از بزرگترین پیامبران ماست نتوانسته^۴ است به این مرحله برسد چگونه است که تورا از ما این انتظار را دارد؟ و اگر نزدیکی به آسمان

۱- سیفری ابتدای هازینو - زوهر هازینو ۲۸۶ ب ۲- یشعیا ۱۰۲ ۳- زوهر بخش سوم ۵۳ ب

۴- یلقوت یشعیا رمز ۳۸۵

Aish Tamid
Parshat Ha'azinu, 5779

در واقع در دسترس همه بیسرائل‌ها می‌باشد ۵ پس چگونه است که یسعیا به چنین مرحله‌ای نمی‌رسد؟

این موضوع ما را بیشتر به تعجب و امیدارد چرا که - آنگونه که میدراش^۶ می‌گوید - کلمات یسعیا ادامه کلمات مُشه بوده و او این کلمات را در حالی عنوان کرده است که تحت تاثیر مستقیم مُشه قرار داشته است. پس بنابراین برای یسعیا رسیدن به مقام مشه بسیار ساده تر و قابل دسترس تر بوده است تا برای ما.

به این ترتیب ما اجباراً به این نتیجه می‌رسیم که یسعیا نسبت به مُشه در درجه پائین تر معنوی نبوده بلکه حتی در درجات بالاتری از معنویت نسبت به او (در زمانی که این مطلب را عنوان کرده است) قرار داشته است. در این حالت یسعیا از آن نقطه‌ای که مُشه کلامش را تمام می‌کند آنرا شروع کرده و ادامه می‌دهد. با وجود رسیدن به درجات بالای روحانی همچون مُشه یعنی نزدیکی به آسمان، یسعیا پیامبر هنوز این قدرت را داشت که به مقامات بالاتر روحانی برسد یعنی "نزدیک به زمین". و از آنجا که کلمات یسعیا نیز قسمتی از تورا است این کلمات نیز پیام عمومی و کلی برای هر فرد یهودی به همراه دارند.

ما همچنین این مطلب را^۷ باید درک کنیم که از آنجا که هر پاراشایی از تورا با زمانی که آن پاراشا خوانده می‌شود در رابطه است. این کلمات تورا و ادامه آنها در یسعیا با زمان مابین روش هسانا و سوکوت که این پاراشا در آن زمان خوانده میشود ارتباط مخصوص دارد.

۲- روزهای گریه

ربی یسحاق لوریا - آری^۸ می‌گوید هر آنکس که در این ده روز تشوا اشک نریزد و گریه نکند روح او به درجه کمال نرسیده است و معنای ساده^۹ این مطلب این است که در مدت این ده روز خداوند به هر فرد یهودی بسیار نزدیک است. همچون "منبع نور به جرقه و ذره ای از نور"^{۱۰}.

چنانچه حتی در چنین روزهایی اشکهای "تشوا" از چشمان یک فرد یهودی جاری نشود این نشان دهنده آن است که روح چنین شخصی دارای نقص و کمبود است و هیچ چیز نمی‌تواند او را بیدار کند تا به منبع اصلی اش برگردد یک چنین شخصی از هدف اصلی زندگی خود بسیار دور افتاده است.

۵- تیبیا بخش اول فصل ۴۲ - سیفیری، یلقوت، هازینور مز ۹۴۲ - ۷- رجوع شود به شالوه آغاز ویشو، اورهتورا آغاز نیصولیم
۸- پیری ائص خنیم شعر هشوفار فصل ۵ - ۹- روش هسانا ۱۸ الف - رمبام هیلخوت تشواا عو ۲
۱۰- درخ خنیم ۱۳، ۲۱، ب، ۹۱ الف

اما این فقط مرحله شروع است . او می بایست به مرحله ایی برسد که درک کند "اصل اساسی عمل است و نه مطالعه تنها"^{۲۹} چرا که وظیفه واقعی انسان تغییر دادن جهان برای ساختن محل سکونت برای خداوند است .

برای رسیدن به مرحله دوم وجود نبوت یسعیا لازم می باشد. تورا بوسیله مُشه دریافت شد ولی یسعیا نبوت در مورد آینده و نجات^{۳۰} یسرائل ها را از خداوند دریافت کرد. در آن زمان جهان محل سکونت برای خداوند میشود و همه موجودات خواهند دانست که این تو هستی که آنها را بوجود آورده ای .^{۳۱} جهان از منبع بی نهایت انرژی الهی پر خواهد شد.

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد نهم صفحه ۲۰۴ الی ۲۱۴) . (Source: Likkutei Sichot, Vol. 9, pp. 204-214)

آری با عنوان این مطلب که "هر کسی که اشک نریزد" اشاره می کند که این موضوع برای همه حتی برای افراد صدیق کامل هم صادق است . اما گناه و خطاست که باعث گریه انسان در موقع تشووا می شود و شخص صدیق کامل هرگز گناه و خطا نمی کند. چطور ما انتظار داریم که او تشووا کند تا آنجا که اگر گریه هم نکند میگوئیم روح او کامل نیست و روحانیت او به درجه کمال نرسیده است؟

عقیده آری را ما بهتر می توانیم در مورد شخص "بینونی" درک کنیم . شخص "بینونی" کسی است که هنوز علاقه به گناه را از خود دور نکرده است اگر چه این علاقه همواره در او به حالت سرکوب نگاه داشته شده است^{۱۱} برای چنین شخصی همواره امکان گناه وجود دارد. از یک چنین شخصی می توان انتظار گریه در یک چنین روزهایی را داشت .

اما برای شخص صدیق کامل که دیگر طبیعتا خواهان گناه نیست بنظر نمی آید که دلیلی برای گریه کردن و نیازی برای ریختن اشک وجود داشته باشد.

ولی تواضع و فروتنی ممکن است که او را وادار به گریه بکند حتی ربی یوحانان بن زکای هم گریه میکرد و می گفت "زمانی که در جلوی من دو راه وجود دارد یکی بطرف بهشت و یکی بطرف جهنم و من نمیدانم که به کدام راه مرا می برند آیا من نمی بایست گریه کنم؟"^{۱۲} اما چرا آری نمی گوید که آنها می توانند "بعضی اوقات" گریه کنند بلکه گفته است که "آنها باید گریه بکنند؟" آیا شخص صدیق می بایست خودش را خطاکار و گناهکار تصور نموده و به این خاطر گریه کند؟

۳- اشک شادی و اشک غم

آلتر ربه توضیح میدهد^{۱۳} که آن اشک هایی که آری از آن سخن می گوید اشک های تلخ ناامیدی و غم نبوده بلکه اشک های شادی است همچون اشک های ربی عقیوا . زمانی که او وارد دنیای اسرار الهی میشد^{۱۴} اشک هایی میریخت که تماما اشک های شادی مطلق بود . اما صدیقیم صرفا به این خاطر که اشک شادی بریزند گریه نمی کنند . ممکن است بگوئیم که آری به دو نوع گریه متضاد با استفاده از یک کلمه اشاره می کند. اشک شادی افراد صدیق و اشک تلخ افراد معمولی که اولی بیان کننده احساس نزدیکی به خداوند و دومی بیان کننده احساس دوری از خداوند می باشد.

۴- برگشت روح

توضیح این است که تشووا تنها صرفاً به معنای توبه نمی باشد، چیزی که فقط زمانی که گناهی انجام شده باشد اتفاق می افتد بلکه معنای تشووا برگشت روح بسوی خداوند^{۱۵} است. "روح بسوی خداوندی که آنرا داده است برمیگردد".^{۱۶}

حتی فرد صدیق که خداوند را با عشق و ترس عبادت می کند تمامی وجودش هنوز به آن مرحله نزدیکی به خداوند که روح قبل تولد تجربه کرده است نرسیده است.^{۱۷} جسم مادی مابین خداوند و روح انسانی فاصله ای را ایجاد می کند که حتی فرد صدیق نیز نمی تواند پلی بر روی این فاصله ایجاد کند و این جدایی عامل غم و غصه و علت گریه و اشک اوست. او حتی در زمانی که در بالاترین درجات روحانی است این فاصله روح از منبع آسمانی خود را احساس می کند اشک های او همچون اشک های آن فرد یهودی با ایمان ساده است که از این فاصله ودوری خود از خداوند آگاه شده است.

۵- اشک های بی خود شدن

اما حتی این جواب نیز کافی نیست چرا که در این حالت شخص صدیق بر آن چیزی گریه می کند که جبریت است. و این حقیقتی است که زندگی در غالب جسم فاصله ای مابین خداوند و روح ایجاد می کند که نمی توان آنرا تغییر داد. انسان نمی بایست خودش را بخاطر آنچه که نمی تواند عوض کند واز قدرت و توانایی او خارج است سرزنش کند.

چنانچه شخص صدیق توجه و اندیشه اش متوجه ارضاء روحانی شخص خودش بود، از آنجا که تولد یک ضرر و خسارتی برای روح بشمار می آید. این ضرر و خسارت ممکن بود (بدون آنکه او خود را مقصر بداند) او را به گریه بیاندازد. اما افراد صدیق به خودشان فکر نمی کنند. آنها به آن خواسته خداوند می اندیشند^{۱۸} که روح آنها می بایست در محدودیت های کوچک این دنیا بسر ببرد. پس چگونه است که آری انتظار دارد که آنها نیز می بایست گریه کنند؟ شاید جواب آن باشد که افراد صدیق بخاطر آنکه آنها هنوز ماموریتشان را انجام نداده اند می بایست گریه کنند چرا که هدف از نزول روح آن است که وسیله ای برای آنکه انسان به مراحل بالای روحانی برسد باشد، به حالتی که در آن انسان بطور کامل خودش را نفی می کند و این

۱۵- لیکوتی تورا آغاز هازینو ۱۶- قوهلت ۱۲و۷ ۱۷- تینیا بخش اول فصل ۳۷ ۱۸- تینیا بخش اول فصل ۱۰

۸- محدودیت های جهان و گستردگی آن

ارتباط ما بین پاراشای هازینو که در آن مُشه و یسعیا ییسرائل ها را مورد خطاب قرار میدهند و ده روز تشووا و چهار روز بعد از کیبور^{۲۴} اینک معلوم میشود.

زندگی مذهبی ما در طول سال همواره با مطالبی که مربوط به جهان ماست همچون انجام اعمال میصوت و مطالعه تورا توأم است. حتی دعاها و تفیلاهای مانیز بستگی به شخصیت انسانی، عقل و درک و رفتار انسانی ما دارد.

اما در طول این ده روز "روح بسوی خداوندی که آنرا داده است برگشت می کند." هر فرد یهودی می بایست از محدودیت هایی که جهان بر او تحمیل کرده است آگاه شده و برای رهایی از آنها گریه کرده و اشک بریزد. او می بایست خداوند را صدا بزند و او را بخواهد و تمنا کند که با خداوند یکی بشود.

"انسان آنجایی است که خواسته های او آنجا هستند".^{۲۵} و بوسیله این عمل گریه کردن او خودش را از دست این محدودیت ها رها کرده و به روحانیت نزدیک و از زمین و مادیت دور می کند. خواسته عمیق او نزدیکی به خداوند است و این جایی است که او آنجاست. نزد خداوند. و خداوند "مرا با گستردگی جواب میدهد". که معنای این جواب آن است که خداوند در این جهان حضور می یابد. و این جهان ذات حقیقی خداوند را آشکار کرده بی نهایت وارد دنیای زندگی انسانی می شود و در این زمان است که او خداوند را نزدیک به "زمین و دور از آسمان" می یابد.

۹- یسعیا پیامبر

و این حقیقتی است که تمامی زندگی یک فرد یهودی را در بر می گیرد. "آسمان" اشاره به تورا و کلام خداوند است. "زمین" اشاره به فرامین خداوند و اعمال انسان^{۲۶} است. از طریق مطالعه تورا فرد یهودی به خداوند نزدیک^{۲۷} میشود و از طریق انجام فرامین، او، خداوند را بسوی خود و جهان نزدیک می کند^{۲۸}.

در شروع او می بایست به خداوند نزدیک بشود، قلب و فکر او همواره خواهان و در حال مطالعه تورا باشد و توأم با آن او فرامین و میصوت را هم انجام بدهد.

۲۴- رجوع شده به مقدمه ربای لویاویج به کوتورس ۹۷ در سفر هَمَعَارِم ۵۷.۹ ۲۵- رجوع شده به لیکوتی سیخوت جلد ششم ص ۲۴ زیر نویس ۲۹ ۲۶- تورا آور آغاز برشیت و لیکوتی تورا هازینو ۷۴ ب ۲۷- تینیا قسمت اول فصل ۲۳ و فصل ۵ ۲۸- تینیا بخش اول فصل ۳۷

این طریق ثابت می کند که هیچگونه محدودیتی حتی محدودیت های قالب و جسم انسانی نیز نمی تواند مانع از وحدت روحانی انسان با خداوند بشود. و یک چنین اتحادی اصولاً محدودیت پذیر نمی باشد. چرا که او به مرحله اتحاد و یکی شدن با خداوند بدون نفی جهان رسیده است. "از میان تنگناها، (محدودیت ها) خداوند را صدا کردم و از میان این جسم، این دنیای محدود، خداوند با گستردگی به من جواب داد".

۷- شوفار

شوفار زدن در روز روش هشانا نیز به همین معناست. از طریق شوفار (که شکل آن از یک طرف کوچک و محدود و از طرف دیگر بزرگ و گسترده است)، پادشاهی خداوند را اعلام می کنیم. و آنگونه که در تلمود آمده است^{۲۲} خداوند می گوید "در روز روش هشانا وصف پادشاهی مرا بگوئید. پادشاهی مرا یادآوری کنید و شوفار بزنید تا آنجا که مرا بر خودتان پادشاه اعلام کنید به چه وسیله این پادشاهی اعلام شده و خداوند برانگیخته می شود که پادشاه ما باشد؟ به وسیله نواختن شوفار

درک این مطلب کمی مشکل است بطور طبیعی ابتدا ما می بایست خداوند را به عنوان پادشاه اعلام کنیم و سپس فرمان های او را اطاعت کنیم.^{۲۳} چگونه ما می توانیم از طریق انجام یکی از فرامین او - نواختن شوفار - خداوند را برانگیزانیم که پادشاه ما بشود؟ در حالیکه انجام و اطاعت از خود این فرمان نشان دهنده این مطلب است که او از قبل پادشاه ما بوده است؟ توضیح در تفیلائی است که قبل از نواختن شوفار می خوانیم "از میان تنگناها خداوند را صدا کردم" عامل این تنگناها صرفاً گناهان ما نیستند. بلکه این خود وجود ما است که عامل این تنگناهاست. تا زمانی که ما احساس می کنیم که از خداوند جدا هستیم و تا زمانی که این مطلب حقیقت دارد ما هنوز خداوند را به عنوان پادشاه بر خود قبول نکرده ایم.

اما زمانی که ما در چهار چوب این تنگناها می ایستیم و با این حال "خداوند را صدا می کنیم" ما به مرحله درک ذات الهی و روحانیت رسیده ایم و بزرگی و گستردگی خداوند را به درون زندگی انسانی کشانده ایم. و این معنای برقراری حکومت خداوند است. او پادشاه است در درون و در میان جهان و نه در خارج و ورای آن.

مأموریت زمانی انجام می شود که روح هیچ بودن خودش را درک کرده و حضور فراگیر خداوند را احساس کند. و از آنجا که شخص صدیق ممکن است فکر کند^{۱۹} که هنوز سفر او در جهت و مسیر این هدف نمی باشد. بنابراین سزاوار است که گریه کرده و اشک بریزد. با این حال اگر حتی بزرگترین مردان روحانی نیز قادر به رسیدن به این مرحله نیستند پس ما چگونه می توانیم بگوئیم که آنها می بایست به این مرحله برسند؟ ما نباید خواهان غیر ممکن باشیم.

حقیقت این است که روح شخص یهودی قسمتی از خداوند است. او می تواند به ورای امکانات روحانی جهان برسد. او گریه می کند و اشک میریزد بخاطر آنکه این گریه و اشک وسیله ایست برای غلبه بر محدودیت های انسانی خودش. "از میان تنگناها خداوند را صدا کردم. خداوند با گستردگی به من پاسخ داد".^{۲۰} این احساس هنوز "در تنگنا بودن" پس از رسیدن به تمامی آن درجات روحانی، آنچنان گستردگی روحانی را برای انسان فراهم می آورد که حاصل آن از بین رفتن خودآگاهی انسانی و حل شدن و یکی شدن با الوهیت می باشد.

۶- یکی شدن با خداوند در درون جهان

و این اهمیت تشووا در این ده روز است. و اگرچه تشووا همیشه مهم است ولی این ده روز زمانی ایست که خداوند در نزدیکترین فاصله خود به انسان قرار دارد. برای آنکه این روزها نه تنها به تشووا انسان طعم روحانی دیگری میدهد بلکه باعث میشود که این حالت تشووا به مراحل بالاتری نیز برسد. تشووا در این زمان صرفاً توبه کردن از گناه نیست بلکه حالت برگشت روح بسوی خداوند و حالت پایان یافتن بیگانگی روحانی ایست. رسیدن به این حالت به انسان این امکان را میدهد که دیگر محدودیت های انسانی خود را جبری و چاره ناپذیر نینگارد. این محدودیت ها می تواند ارتقا یا بدو انسان را دارای قدرت و آزادی روحانی بیشتری کند. و بخاطر رسیدن به این حالت است که سزاوار است که هر فرد یهودی در این روزها گریه کند و اشک بریزد.

زمانی که انسان به این حالت، خود ارتقایی و روحانیت میرسد او یک شکاف و معبری در درون وجود خود ایجاد کرده است. ایجاد این محل عبور تنها زمانی ممکن است که روح در غالب جسم خاکی قرار دارد. انسان در این حالت با بی نهایت در حالیکه در درون نهایت است یکی شده و به